

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

سیامک بهاری
۰۶ جولای ۲۰۱۳

پس از مضحکہ انتخابات

بر سر کار آوردن روحانی از میان رقبای دستچین شده و کم هزینه تر برای "بیت رهبری" اگر برای جمهوری اسلامی به معنای عبور موقت از سنگلاخی به نام انتخابات است، برای میلیونها مردم شریف و محرومی که مضحکہ انتخاباتی حکومت را هرگز باور نداشته اند و برای مطالبات خواسته هایشان رو در روی جمهوری اسلامی ایستاده اند، ادامه نبردی است که سه دهه است در جریان است.

جمهوری اسلامی امروز متولد نشده است! روحانی و اسلافش، هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد به قدر کفایت، از مردم قربانی گرفته اند! به قدر کفایت در پرونده شان جرم و جنایت علیه بشریت دارند که معرفه سابقه سیاه حکومتشان باشد.

تبعیض و نابرابری زمخت و نهادینه شده در این حکومت به خوبی شناخته شده است. شلاقش را بیش از سه دهه است بر پیکر خود، بر سفره خالی مان، می بینم!

در یک فرجه چند روزه، جمهوری اسلامی اندکی و در ظاهر فشارهای معینی را کاهش می دهد و پس از عبور از آن دوره، دوباره با شتاب و هراسان به موقعیت سابق خود بر می گردد. بلافاصله بعد از تمام شدن روزهای مضحکہ انتخابات، جمهوری اسلامی با طناب دار و قطع دست و سنگسار و سرکوب، توحش همیشگی اش را ادامه داد. طنابهای دار در مراکز شهرها برافراشته شد. حکم قطع دست شش جوان در شیراز صادر شد و سنگسار چهار زن و مرد در تبریز و قتل یک کارگر زندانی و هجوم به جوانان و دستگیری و احضارهای امنیتی و اطلاعاتی و غیره به روال همیشگی ادامه یافت.

جمهوری اسلامی نه انتخابات بردار است و نه اصلاحات بردار. این حکومت با کشتار بر سر کار آمده است و با همین روش بر سرکار مانده است.

چه کسی در کل دوران چند روزه مضحکہ انتخابات ولو به ظاهر و در جنجالهای تبلیغاتی شنید که حق کودک جهانشمول است؟! کودکی کودکان را باید به آنها بازگرداند، تأمین غذا، دارو، حق بدون چون چرای کودک است! کسی شنید این نمایندگان تأیید صلاحیت شده بیت رهبری کلمه ای راجع به میلیونها کودک کار و خیابان بگویند؟ از هفت میلیون کودکی که همین حکومت از درس و مدرسه محروم کرده است حرفی زده شود؟ قولی به کسی داده اند؟ از بیش از نیم میلیون کودک بی هویت و بی شناسنامه که این حکومت با بی رحمی تمام از ابتدائی ترین حقوق شهروندی هم محرومشان ساخته، چیزی بگوید؟

کسی از مدارس تخریبی، مدارس استیجاری، کانتینی، کپری، کلمه ای به زبان آورد؟

جمهوری اسلامی همان است که بود! با تحمیل فقر و فلاکت، بیکاری و گرانی به میلیونها خانواده و متلاشی کردن همان حداقلهایی که این خانواده ها با مصیبت به چنگ آورده بودند. خط فقر به سمت سقوط در ورطه تباهی.

گرد و خاک انتخابات هنوز فرو ننشسته بود که خاتمی هراسان از توقعات مردم به صحنه آمد و گفت: از روحانی توقع بیجا نداشته باشید. راست می گفت، از جمهوری اسلامی توقع آزادی و برابری نباید داشت. خاتمی هر انتظاری برای بهبود اوضاع را توقعی بیجا می نامد.

تلاش حکومت بر این است که به مدت چهار سال دیگر، موش و گربه بازی مجلس اسلامی و دولت اسلامی و رهبر اسلامی را با اسم رمز عقلانیت و اعتدال، یک بار دیگر و اینبار مشمئز کننده تر از هر وقت دیگر ادامه دهد. اما این خواب خوش به سحر نرسیده مشوش خواهد شد.

طوفان در راه است! همه وحشت حاکمیت اسلامی چه قبل از این مضحکه و چه بعد از آن از همین طوفان است.

مطالبات فوری مردم برای خلاصی از وضعیت جهانی موجود روز به روز شفافتر، عمیق تر و تیز و تندتر خودنمایی می کند. شعارهای هزاران نفر به بهانه شادی در خیابانها، در هر شکلی که امکان بروز بیابد، خود نمایی می کند. همانطور که به درست پیش از مضحکه حکومتی هم مطرح می شد.

ما به عنوان مدافعان حقوق کودکان، برای ایجاد تغییرات جدی در موازنه قدرت در نبرد پیش رو، باید صحنه اوضاع سیاسی را درست ارزیابی کنیم و بشناسیم. چند نکته مهم و اساسی را باید دقیق کنیم.

- اول این که جمهوری اسلامی پیروز از این مضحکه بیرون نیامد. در بین تمامی جناحهای آن از غالب و مغلوب، شکافها و اختلافها، عمیقتر شد. مجموعه بیت رهبری، شکست خورده ترین آنها در این میان است.

- دوم این که، روحانی و کلید مشکل گشا را نه خود جمهوری اسلامی و نه دولتهای غربی که نگران تحولات رادیکال در منطقه هستند، کسی جدی نگرفته است. این را مردم، همان شب اول اعلام نتایج و بعد در ابراز شادمانیهای پیروزی تیم فوتبال، با شعارهایشان، نشان دادند، "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن" و غیره، موضع مردم در قبال سیاستهای ستراتیژیک حاکمیت را نشان داد. جمهوری اسلامی نیازمند کلیدی است که قفلهای زنگ زده اش را باز کند و غرب نیازمند کلیدی است که قفل رابطه با جمهوری اسلامی را بگشاید، گزینه غرب در شرایط حساس سیاسی و در گردبادهای غیر قابل پیش بینی منطقه، یکی از جناحهای کمتر درد سر ساز جمهوری اسلامی است. برای همین هم بر سرکار آمدن روحانی را مدام توی بوق می کنند تا از تنش و کشمکش بکاهند. سیاست چماق و هویج کماکان تز نهائی آنهاست.

- سوم همین واقعیتها و فاکتها به ما میگویند، در شرایطی که جمهوری اسلامی ضعیف تر و شکننده تر از هر وقت است، جبهه ما و خواستهای به حق ما باید تهاجمی تر از هر وقت باشد. همچنان که در شماره قبل گفتیم، توپ واقعاً در زمین حریف است. فرصت کنونی آسان به دست نیامده است و نباید از دست برود. رویارویی جمهوری اسلامی با مطالبات اعتراضی و به حق مردم در این شرایط برای جمهوری اسلامی بسیار گران تمام می شود. از این رو باید هر چه بیشتر دامنه خواستها و مطالبات را افزایش داد.

خواستهای فوری و حداقلی دفاع از حقوق کودکان باید به عنوان مطالبات فوری بخش وسیعی از جامعه در دستور کار قرار بگیرد. زمان از هر وقت دیگر مناسب تر است. علیه کار کودکان، علیه محرومیت میلیونها کودک از تحصیل، علیه عدم دسترسی به دارو و درمان، علیه دست درازی مذهب و کودک آزاری و تبعیض و نابرابری مهندسی شده باید حضور علنی در جامعه داشت.

- چهارم، تشکلهای رادیکال دفاع از حقوق کودکان، بخشی از جبهه و جنبش مبارزه کارگری در جامعه است. این تشکلهای را باید تقویت کرد و در هر جایی با ابتکار و بسته به شرایط، در اشکال متنوع ایجاد کرد. شکل کار و مضمون فعالیتها اما باید مدام اعتراضی تر، ملموس تر و علنی تر باشد.

گرانی و بیکاری سرسام آور چنان کمر شکن است که امکان تحمل آن دیگر به هیچ وجه امکان پذیر نیست. قربانیان این وضعیت بدون تردید، در صف نخست، کودکان ما هستند. مراقبت و دفاع از کودکان هیچ معنای عملی دیگری جز سازمان دادن اعتراض علیه بانیان این وضعیت جهانی ندارد! میلیونها کودک از تحصیل بازمانده اند، آموزش و پرورش به جای امکانپذیر کردن ورود این کودکان به چرخه تحصیل، راجع به افزایش نرخ شهریه مدارس، بخشنامه صادر می کند. هیچ نوع مسؤلیتی در قبال این کودکان را به خود متوجه نمی کند. انگار نه انگار که همین وزراتخانه است که آمار کودکان محروم از تحصیل در ایران را منتشر کرده است. رقم تکان دهنده هفت میلیون کودک بازمانده از چرخه تحصیل بخشی از کارنامه سیاه وزرات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی و بخشی از تبعیض و نابرابری سازمان یافته دولتی این حکومت است.

بی توجهی آشکار به سلامت و امنیت کودکان و بروز فجایع تکان دهنده و غیرقابل چشم پوشی مانند آتش سوزی کلاسهای درس و مدرسه و استفاده مکرر از مدارس تخریبی در کنار آموزش سازمان یافته، بخشی از همین کارنامه سیاه است. اعتراض به چنین سیستمی باید در وسیعترین سطح صورت گیرد. از همین رو ما بارها به نقش و تأثیر فوری "جمع های کودکان مقدمند" به عنوان اولین هسته های سازمان دادن اعتراضات در جامعه تأکید کرده ایم و باز هم تأکید داریم.

مبارزه در خلاء اتفاق نمی افتد. از جای ملموسی شروع می شود. افزایش نرخ شهریه مدارس و مهد کودکیها برای هزاران خانواده کارگری و هزاران خانواده ای که با بیکاری و گرسنگی آشکار و پنهان، دست و پنجه نرم می کنند؛ عملاً به معنای محرومیت از تحصیل کودکان آنها و قربانی کردن این کودکان در بازار بیرحم کار و سرمایه است. سازمان دادن اعتراضات در مقابل مدارس، در مقابل ادارات آموزش و پرورش با خواست آموزش و پرورش رایگان در همه مقاطع تحصیلی باید به خواستی همگانی بدل گردد. این خواستی است که جمعهای کوچک و بزرگ در محلات و نواحی مختلف می توانند سازمان دهند و عمومی کنند. اعتراض به شهریه دقیقاً همین حالا که فصل نامنویسی ها شروع شده باید قوام و شکل بگیرد و مداوماً به اشکال و ابتکارات متنوع ادامه یابد.

استاندارد ایمنی مدارس یکی دیگر از موارد فوری و ضرب العجلی ما باید باشد. جمع های کودکان مقدمند با حضور در جلسات مدارس، حضور در جلسات انجمنهای خانه و مدرسه و مشابه آن باید موضوع ایمنی کلاس درس و تجهیزات مدارس را به یک نرم همیشگی خود بدل کنند. مطرح کردن توقعات امکان انجام آن را نیز در خود مهیا می کند. مدارس کودکان ما ایمن نیستند. این باید در شکل واقعی اش معنی شود. دقیقاً به این معنا که این کلاسها تله مرگ محسوب می شود و آموزش و پرورش می خواهد کودکان ما را در این قربانگاه ها به نام مدرسه و محیط آموزشی نگهدارد. ممانعت از ادامه کاری اینگونه مدارس بخشی از کار روتین و روزانه ما باید باشد.

بنابراین برای سر و سامان دادن به اعتراضات و مطالبات فوری در دفاع از حقوق کودکان، برای ما بخش غیر قابل تفکیک از فضای به اصطلاح بعد از انتخابات است.

پاسخ عملی ما به خاتمی و روحانی و امثال آنها دقیقاً این است که خواسته های به حق ما توقعات بیجا نیست. این ابتدائی ترین و در عین حال فوری ترین خواسته های مبرم ماست که باید متحقق شود. سلامتی و امنیت و رفاه کودکان نه تنها توقعی بیجا نیست، بلکه بخش غیر قابل تفکیک خواسته های ماست.

شما و امثال شما خیلی بیجا کردید که برای مردم عدم توقع تعیین می کنید.

لطفا آقازاده هایتان را از مدارس فوق مدرن در داخل و خارج از ایران به همین کلاسهای تخریبی و مدارس دولتی برگردانید، تا با چشم خود ببینید که این خواستها، توقعات بیجا نیست.

وانگهی شاه کلید روحانی کدام قفل را می خواهد باز کند، مادام که ابتدائی ترین خواستهای به حق ما تحت عنوان توقعات بیجا قرار است، کنار گذاشته شود!؟

دهها فعال دفاع از حقوق کودکان کماکان در بازداشت هستند. آزادی آنها خواست فوری ماست! شما بیجا می کنید که فعالان دفاع از حق کودکان را به جرم اقدام علیه امنیت کشور در زندان و شکنجه گاه نگهداشته اید.

جمهوری اسلامی برای پایمال کردن سیستماتیک حقوق کودکان باید پاسخ گو باشد!

منتشره در : نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۵